

# زنده‌گینامه

## آخوند ملا

# محمدجواد صافی گلپایگانی

قاسم صافی

### مقدمه

شهرهای کوچک و بزرگ ایران اسلامی هماره در گستره تاریخ خود، نظاره گر درخشش اختران تاباک آسمان علم و ایمان بوده است.<sup>۱</sup> یکی از این اختران که در گوشه‌ای از کشور اسلامی ایران دامنه فرضی بر سر همگان سایه گستر بود، آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی (ره) است، که بیش از ۶۰ سال در گلپایگان، مردم راهدی شد. در این مجال نگاهی به زندگی مراسر افتخار او من افکشم.

### ولادت

آیت الله صافی در روز ۲۷ شعبان المتعظم ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۸<sup>۲</sup> هـ ق، در بیت علم و تقوی در گلپایگان دیده به جهان گشود. پدر وی مرحوم آخوند ملا عباس از بزرگان و شخصیتهای مورد احترام مردم - که علاوه بر دانش بیژوهی، به تجارت می‌پرداخت -، مادرش زهرا خاتم فرزند ملا محمد باقر ادیب گلپایگانی و دایی اش ملا محمد رضا قطب - عالم به علوم غریبه - بودند.

۱۰. آیت الله سید محمد باقر موسوی خواتساری

۱۱. علامه آخوند ملا محمد کاشانی (۱۴۲۹-۱۳۲۳ ه.ق.)

۱۲. علامه آخوند ملا محمد باقر فشارکی

۱۳. آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی

۱۴. علامه میرزا محمد هاشم چهارسوقی اصفهانی

۱۵. آیت الله اقامیرزا محمد تقی مدرس

۱۶. علامه میرزا محمد علی درب امامی

۱۷. آیت الله اقامیرزا محمد تقی مدرس

۱۸. علامه میرزا محمد علی توپرگانی اصفهانی (د. بعد از ۱۳۱۱ ه.ق.)

۱۹. علامه میرزا محمد علی توپرگانی اصفهانی

۲۰. آیت الله اقامیرزا محمد تقی مدرس

۲۱. علامه شیخ محمد علی نقہ الاسلام

۲۲. آیت الله علامه اقامیرزا محمد تقی مدرس

۲۳. آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی

۲۴. آیت الله علامه اقامیرزا محمد تقی مدرس

۲۵. حکیم میرزا جهانگیرخان قشقایی (د. ۱۳۲۸-۱۳۴۶ ه.ق.)

۲۶. حکیم میرزا جهانگیرخان قشقایی (د. ۱۳۲۸-۱۳۴۶ ه.ق.)

۲۷. حکیم میرزا جهانگیرخان قشقایی (د. ۱۳۲۸-۱۳۴۶ ه.ق.)

۲۸. حکیم میرزا جهانگیرخان قشقایی (د. ۱۳۲۸-۱۳۴۶ ه.ق.)

۲۹. حکیم میرزا جهانگیرخان قشقایی (د. ۱۳۲۸-۱۳۴۶ ه.ق.)

۳۰. حکیم میرزا جهانگیرخان قشقایی (د. ۱۳۲۸-۱۳۴۶ ه.ق.)



لهم بِلَات

وی به اقتصادی شوق فطری و اقتضای سیره خاتونادگی، از همان آغاز نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد. آن فقیه بزرگوار مقدمات و سطوح را نزد پدرش و دیگر دانشمندان گلایاگان. که در آن زمان مجمع علماء و دانشمندان بود. فراگرفت و میس در سال ۱۳۰۵ ه. ق. به اصفهان کوچید، و تا سال ۱۳۱۶ ه. ق نزد استادان بزرگ وقت علوم متدابول را فراگرفت. وی آن از کوشش‌های علمی باز تایاستاد تا پس از نگارش رساله‌های درمسائل فقهی، در سال ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ ه. ق. به اخذ اجازات متعدد اجتهادی نایل آمد، و مورد توجه و افکار استادان خود قرار گرفت.

۱۰۷

وی در سوزه علمیه اصفهان - که در آن زمان از پرورش قرین  
و با اهمیت ترین حوزه های علمی شیعه به شمار می رفت - در  
محضر استادان ذیل مهراء با بزرگانی همانند: آیت الله  
بروجردی، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، علامه حاج آقا  
رحمی ارباب و آیت الله آقا سید حسن چهارسوی شرکت  
کرد: ۱. آیت الله علامه سید محمد باقر درجه ای

های اجرت یه تهران  
در حدود سال ۱۳۲۵ ه. ق. آیت الله صافی رهبر تهران  
شد و مورد استقبال شایسته حضرات آیات: شیخ فضل الله  
نوری، سید محمد امام جمعه و حاج میرزا ابوالقاسم صاحب  
حاشیه بر مکاسب قرار گرفت. وی به دلیل داشتن روحیه  
سلامتوهای و دین طلبی در آن ایام که مصادف با غوغای  
شرسرویت بود، با آیت الله شهید حاج شیخ فضل الله نوری  
مصادا شد وی در تمام مراحل با شیخ فضل الله همراهن  
ترد و حتی در روزهای سخت و دهشتگار محاصره خانه شیخ

سیاه

امکان از این درجه است لیکن دختر می بیند و همچو این دستگاه و خود را که  
برده از سرمه بین چون نیمی از قدر این امر بخوبی می آید و بعده رفته هم باشد  
در این اتفاق این امر بروز نماید و این دستگاه را می بیند و می بخواهد  
درین این امر بروز نماید و این دستگاه را می بیند و می بخواهد  
که این امر بروز نماید و این دستگاه را می بیند و می بخواهد  
دو روز از این روز که این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را  
نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را  
که این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را  
عن این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را  
بر روی این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را  
دانه های این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را  
نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را  
نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را بروز نماید و این دستگاه را

به وسیله مجاهدان و فاتحان، دست از پاری و همراهی شیخ پرداشت، و تا واپسین روزهای زندگی شیخ شهید در کنار او بود.<sup>۵</sup> آن عالم مجاهد پس از شهادت شیخ و تغییر اوضاع به نفع دشمنان دین، دیگر تاب دیدن آن وضعیت و سلطنت پیر عازم او را اورمنی، سردار اسعد پختکاری و محمد ولی خان تکابیش را نایاره داد، و از طریق قم و اصفهان به گلستانگان راه گشتم.

بازگشت به گلپایگان

در مسال ۱۳۴۷ هـ. ق، آن مرد بزرگ به زادگاه خویش بازگشت، و تا پایان زندگی در آنجا ماندگار شد. وی از هم مناصی که در حوزه‌های علمیه در انتظارش بود صرف نظر کرد، او قاتل را صرف ترویج دین، تدریس، تالیف، دادرسی مظلومان، مبارزه با استمگران، تهذیب اخلاقی و آگاه کردن جامعه کرد. از جمله اقدامات به پادشاهانی آن عالم بزرگوار، مبارزه بی امان با انحرافات و بدعتهای دینی مانند: مبارزه با بهائیت و تصوف، مخالفت با شاخانها و شردارها، روپارویی با کشف حجاب، و مفاده دوران پهلوی و احیای شعراً دینی و بزرگداشت‌های مذهبی است، که با تلاش و کوشش وی جشن‌های نیمه شعبان، و موالید ائمه اطهار - علیهم السلام - و عزاداری عاشورا و ایام فاطمیه در گلزارگان رواج گرفت. اینک به نمونه‌ای از هر کدام اشاره می‌نماید:

سیارزه با خوانن

از جریانهای جالی که برای ایشان در طول مبارزات اشان با مستکبران و ستمگران واقع شد، مبارزه با امیر مفخم بختیاری بود. هنگامی که امیر مفخم بخیاری نفوذ و قدرت زیادی داشت، و پیویز شاعر نفوذ منطقه گلپایگان، خسین و کمره را در پرگرفته، و در این منطقه مطلع عنان شده بود، و دعات و قرای متعددی را با زور و اکراه تصالح من کرد و قبله می نمود، و در موقعی که جرئت و گستاخی اش تا حد رسیده بود که افرادش را مأمور کرد قوام السلطنه را که وزیر داخله وقت بود، در منگام رفتن یا بازگشتن ازویاز تخلانه از در شکه پایین کشیدند و به منزل او که در خیابان حسن آباد بود پردازند؛ و می خواست او را چوب بزنند، آیت الله سافی، برخلاف توقع او که انتظار سکوت ایشان را داشت، با او مخالفت و از گشرش نفوذ و مظلوم او جلو گیری کرد و قلمرو مظلوم او را تقریباً در حدود کمره (خینم) محدود نمود. امیر مفخم و قنی با اتواع و سایلی که در اختیار داشت، توانست ایشان را لاقل به سکوت و ادارکند، جدلاً در مقام تهدید و اذیت و توهین به ایشان برآمد، و شخصی را به نام شهاب لشکریا جمیع تفکدگار و مسلح برای جلب ایشان به کمره، و توهین حضوری فرستاد، و

# مصابح الفلاح

از تالیفات

علاوۀ محقق حضرت آیت‌الله

آقای آخوند ملام محمد جوان

صافی گلپایگانی

دامت بر کاته

جایزه داده با تجدیدنظر و بعض اضافات از طرف مؤلف

ماهیران - ۱۳۴۵ - هـ ش

مطبوع گردید

نبوذند، جلساتی تشکیل دادند و شهاب لشکر را تا دو سه روز یا پیشتر به عندهایی قاتع ساختند، و بالآخره تصمیم گرفتند که ۲ نفر دیگر از علمای بزرگ نیز ایشان را در وقت بنی هاشم و ملاقات «امیر» همراهی نمایند. اما در اثنای که این جریان می‌رفت که صورت عمل پیدا کند، شهاب لشکر که از تعامل و عدم انجام فرمان امیر سخت ناراحت شده بود و شاید برای اولین بار فرمان او را با این وضع روپرتو می‌دید، شخصاً در منزل آیت‌الله صافی آمد و پیشام داد که جواب نامه امیر را بدهند. ایشان برای اینکه شخصاً به او جواب نمی‌پدید، با قرآن مجید استخاره کرد، که این آیه آمد: «وَكَلَّكَ جَلَّنَا كُلَّنِي عَذْوَأْ مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكُفَّيْ بِرِبِّكَ هَادِيْنَا وَ نَصِيرَأْ». وی فوراً و بدون درنگ شخصاً به در منزل آمد، و به شهاب لشکر گفت:

چه می‌خواهی؟

او گفت: جواب نامه را.

آیت‌الله صافی فرمود: امیر غلط کرد که نامه نوشته، و توهم غلط کردی که نامه آورده.

سپس، آن قصیه وارمه به داخل خانه برگشت. به لطف خدا شهاب لشکر پستان مرغوب شد که از همانجا رفت، و مثل اینکه ماموریتش را فراموش کرد. این واقعه بسیار عجیب بود، زیرا اگر شهاب لشکر با سوارهایش وارد منزل می‌شد و ایشان را دستگیر می‌نمود، هچ کس از مقامات دولتی و منطقه‌ان محلی جرئت و چسارت معارضه با او را نداشتند.

هوشیاری

امیر مفخم تا آخر عمر، از ایشان بیشتر بود، و حتی در اواخر که آن قدرت قبیل را نداشت و یک خان و فتووال ساده بود، و سوابط متعدد بر می‌انگیخت که بلکه با ایشان دیگر کند و ایشان نپذیرفت.

از میان موقعي که رضاخان برای تسلط بر ایران به عنوان

جمهوری طرح رئیس جمهوری خود را می‌ریخت، در مقام برآمد از علمای بزرگ به زور و تهدید امضا پکید. از این رو، این کار را دربروچرد، لرستان و گلپایگان به احمد امیر احمدی سپهبد جلالد که در آن موقع در خرم آباد و به اصطلاح امیر تاجیه غرب بود، سپرد. اما آیت‌الله صافی با او مخالفت کرد. و نه تنها خود از امضا و تأیید رئیس جمهوری رضاخان سریان زد، بلکه علمای بزرگ دیگر همچون آیت‌الله آقا شیخ محمد

سعید و حاج میرزا محمد باقر امامی را نیز به مخالفت برانگیخت، که مخالفت آن دو موجب مشکلاتی برای آنان، و هجرت آقا شیخ محمد سعید به اصفهان شد. بعد از اینکه پهلوی با زور اجتنی بر این کشور مسلط شد، آیت‌الله صافی همیشه اورا یک عامل انگلیسی می‌دانست و بر آن دلایلی اقامه می‌کرد. وقتی رضاسان بظاهر اختیاز نفت داروسی را الغو کرد، رئیس شهریاری گلپایگان که از مذاق ایشان مطلع بود و می‌دانست که ایشان آن مده هیاهو و سروصدایها را که درباره



## صادفی نامه

و

### فیض ایزدی

آیة الله آقای آخوند  
علاء محمد جواد صافی گلپایگانی

هرچه می خواهی بگو و هرچه می خواهی بکن  
کار فرمایان عالم کار دیگر کرده اند  
یک دو روزی گر مساعد گشت وقت اینم ماش  
صدهزاران چون تو را با خاک یکسر کرده اند  
این همان خانه است کاتر آن به جای عیش و نوش  
بستر از خاک ملکه بهر متجر کرده اند  
سر اتجام، دوران پهلوی با آن عمه مظالم و ستمگریها طی  
شد، و همان طور که این مرد دل آگاه مکرر خبر می داد، آن  
ملعون به ذلتی که عبرت همگان گردید، گرفتار شد.  
پس از فرار و رضاخان، محمد رضا به سلطنت رسید، و دوران  
جدید استعماری با برنامه های ضد ایرانی، ضد انسانی و خلاف  
شرع، شروع شد. جالب اینکه آیت الله صافی این روزگار را نیز  
پیش بینی می کرده و در ضمن کتابی که به نظم به نام کلمة الحق  
در تاریخ دوران پهلوی ساخته بله رو سروده است، از ملت ایران  
می خواهد تا هنگامی که این شاه جدید جایی و جانی نگرفته  
است، کشورش بگذراند، و گزئه او نیز همان راه پدر را ادامه  
خواهد داد:

گرچه وقت آن مردود گمراه  
ولی آوخ که شد فرزند او شاه  
خواهد داشت جز ظلم و ستم کار  
مثل باشد نزاید مار جزمار

بارزه یا بهائیت  
یکی از بزرگترین خدمات دینی ایشان، بارزه یا فرقه شاه

اداره کنند. برای جلوگیری از این وضع، این صحته سازی را  
کردند و قرارداد را برای مدت طولانی دیگر تمدید  
کردند. پس در جریان ملی شدن نفت، یکی از ادلۀ ایران همین  
بود که مجلس قلابی و فرمایش آن زمان، مجلس مردم نبود و لذا  
آن قرارداد هر چند به تصویب مجلس رسید، اما بین ارزش  
است.

بارزه یا رژیم پهلوی

ایشان با توجه به سیاستهای استعماری و اطلاعات تاریخی  
و سیعی که از اوضاع سیاسی جوامع اسلامی داشت، معاواره  
مردم را از دسایس بیگانگان و تفرقه افکارهای آنان در بین  
مسلمانان و الگوسازیهایشان در مناطقی مانند ترکیه به نام  
معطفی کمال آتا تورک و در ایران به نام رضاخان پر حضر  
من داشت، که گول اینها را و همچنین متجدد مایهها و اروپا  
رفته های غربیه را نخوردند. ایشان در ضمن اشعار سیار، از  
این اوضاع و بیویژه از انگلیسها شکایت کرده است. مثل این  
شعر:

انگلیس در جهان افکنده دام مکر و فن

ای خدایا مسلمین را سید و سالار کو

پسر پرموج و پلا در اوج وکشن در غطر

نوج کشیان در این دریای محثت بار کو

صفحه روی زمین بکرف دجال فتن

مهدي صاحب زمان و تیغ آتشبار کو

همچنین، در ضمن قصیده ای بسیار طولانی که اوضاع  
مسلمانان را تشریح کرده است، و حتی از تبلیغاتی که پیش از  
اقدام پهلوی به کشف حجاب و آن مظالم بی حد و حصر برای  
کشف حجاب، اختلاط زن و مرد و برجستن من اسلامی  
می شد، و غربزدگیهای تویستگان و مجلاتی که در آن عصر  
بود و افکار جوانان را مسوم می ساخت، فرموده است:

هست در بعض زنان شوری پی کشف حجاب

خاک هر ذلت به سر این خلق می سرکرده اند

روزی آید زین شب مظلوم که هر یک می عفاف

بهره ور از وصل خود و ندان ابتر کرده اند

این جوانان وطن در معنی حب الوطن

اشباوهی بالعالج در خود مخمر کرده اند

وضع دوران اروپایی کنون سرشق ماست

گرچه ما را در حقیقت خوار و مضطرب کرده اند

علم و صنعت را ناسازد کن از آنها پیرروی

لیک لفظ مسبو و مرمسی مکر کرده اند

تا اینکه خطاب به پهلوی یا دیگری، می گوید:

ای که داری آرزوی انسخاف ماه شرع

وایکه زاول فطرت از بد مخمر کرده اند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، نسبته عز وجله ملائكة السموات السبع،  
الحمد لله رب العالمين، نسبته عز وجله ملائكة السموات السبع،

جعفر بن محبث و معاذ بن جبل و عاصم و عاصم و عاصم و عاصم و عاصم

وَلِكُلِّ أَنْتَ بِهِ مُسْتَحْدِثٌ وَمُؤْمِنٌ بِهِ مُؤْمِنٌ وَمُؤْمِنٌ بِهِ مُؤْمِنٌ

من دلخواه صدیقه و دوستی شنید که هر چند که زن، فرموده بصری مدد و کسری از اکال داشت  
- سپس پسر خانم محمد، این را بیشتر با عذرخواه و درست ترین شکوه و شفافیت از خود نمایند

جندل عصمه بغيره لامش بغيره وليد بغيره من مذهبها ورسانها شاعرها وروائيها ومحبها

مع حضور پسر خان و ملکه شرمان و ملکه همسر برادر ارشد دامت نیز از پسران

فوجئ بـ«لوك» مسرطاً لها ورضاها في برجها غافراً نذرها، فـ«لوك» طرحته في الماء الصالحة، ونذرها في الماء العذب.

Fig. 2

*Journal of Nonlinear Sci.* 2012, **22**, 1–30

کسب سواد و آشنایی با نگارش ، مبانی دین ، مباحث اسلامی و اخلاقی تشریف و تغییر می کرد .  
دارای ایشان به یک پاچمه و زمین مختصراً خلاصه می شد که خود نیز در آن کار می کرد و از آن امراء عاش من کرده ، از محل سهم امام استفاده نمی کرد . وی به غذای ساده اکتفا می کرد و قناعت ، زهد و زندگی ساده را شیوه خود قرار داده بود ، و داشت و معنویت خوشی را با ظاهر مادی و زخارف دینی متعامل نمی کرد . آیت الله صافی هماره در نهایت وارستگی ، گرم ، قناعت ، آزادمنشی ، داشت دوستی ، خوشروی و فروتنی زیست ، و هرگز کسی از وی ناگیری نداشت ، و در قضایات ، حق را ملاک قرار می داد ، اگر چه بر زبان نزدیکترین افراد به وی بود . آیت الله صافی دارای حافظه ای غریب بود و تمام مجمع الفصحا ، حبیب السیر ، روضه الصفا و تاریخ اسلام و ایران را می داشت ، و برقدایق زیان و ادب پارسی و تازی تسلط کامل داشت .

قدرت ادمی

آیت الله صافی در شعر از شعرای مقتدی و شیرین سخن نظر  
مولوی، خاقانی، نظامی، سنایی، ناصر خسرو، انوری بویزه  
حافظ و سعدی متأثر بود، و پیشاری از اشعار این شاعران را  
تفصیل کرد. طبع شعرش فوق العاده است، و در هر نوع شعر از  
نوحه، معصیت، غزل، مذج و قصیده سرآمد من معاشرد. در  
پیشاری از موارد فی البداهه شعر من گفت یا سخنانی متفقی  
و مصحح بیان مر داشت.

اقدار سخنوری این روحانی بزرگوار چنان بود که بنان و  
بنان در آزادی رسانی آن کرتاهی می‌نماید. توابع معنا در تعییرات  
وی در مذبح حضرت ولی عصر(عج) با الفاظ و تعییراتی بنان و  
تعسیر می‌شود که مستلزم اممان و دقت نظر و توجه تمام به  
زوفای معنا و عمق گسترهٔ الفاظ در احشای بر مفاسدین  
است. در این مرور، قضیدهٔ ذوق‌پیشین ایشان را دربارهٔ حضرت  
ول. عص باملطمهٔ ذیا، بنگید:

عبد گشت و خواهیم از شاه فلک در بار بار

تازه‌پیش باز پاید طبع گوهریار بار  
آراستگی الفاظ نوام با صنایع بدیمه، چیزگی او را در میانی  
ادبی یا زمینه‌های واقعی ذهنی، و سلطنت کامل او را بر اصول ادب  
فارسی و عربی اشکار می‌سازد. انواع ادات شبیه و صنایع  
مخالفت ادبی را در بیان کیفیات طبیعت و هرچه در آن است به  
کار می‌گیرد تا با تصویر زیباییها به ذکر مددو پردازد، و انسان  
را به شادمانی و بهره‌گرفتن از زندگانی دعوت کند. در این  
مورد به قصیده ایشان درباره امام زمان (عج)، که به منست جمع  
و تفرقیت - یکی از مشکلترین صنایع شعری - و با مطلع زیر آمد

است، اساره می شود.  
به فیروز تر زمان به زیباترین بهار  
به نیکوترین شبی به روشنترین نهار

هایی بود. با اینکه آنان گلپایگان را به جهاتی مطعم نظر قرار داده بودند، و چندین مرتبه با گمک و تقیوی مقامات دولتش را شه ها کشیدند و اشخاص و چمیتهایی را با برده های کلان ر حسایت ادارات دولتی به گلپایگان فرستادند، و سنتی خصیت اسلامی گلپایگان در مععرض خطر قرار گرفت، با پیردیها و فدادریهای ایشان در آن دوران اختناق، از آن مقاصد ملعوگیری شد. شرح این مسارات، نیاز به تالیف رساله ای استقل است تا هرچه بیشتر شخصیت ایشان بررسی شود.

دستگیری از ضعیفان و درمانگان، آبدانی مساجد، اقامه سرتب نمازهای جماعت، ارشاد و تربیت مردم صالح و شایسته و نمازهای اوجمند، از دیگر خدمات روزنامه ایان به عده است.

ایزگیهای شخصی  
آیت الله ملا محمد جواد صافی با سمعه صدر و سماحت  
طبعش، فقیهی ادیب، عارف، مجاهد و نوائیش بود. در آن  
برمان که زنان کتر سواد داشتند، همسر و دختران شویش را در

و از جمله در سال ۱۳۷۴ هـ. ق به چاپ رسیده، و یکی از بهترین کتابها در معارف، مواضع، عقاید و اخلاق است. مؤلف در این کتاب آیات قرآن، روایات صحیح و ادب پارسی را به هم آمیخته و مجموعه‌ای ساخته که اهل تفسیر، حدیث، تاریخ و شعری توائند ازان بهار و شوند. اگر تهنا اشعار منتخب شعرای معروف را درزمینه مباحثت فرق - صرف نظر از اشعار مؤلف و اشعار عربی - از دیدگذارانیم، می‌بینیم که از لحاظ ادبیات فارسی پسوار گرانبهایست. آیت الله سید صدر الدین صدر فرموده بود: من یکماه رمضان در مشهد مقدس از زویی این کتاب بنیر رفتم، و مردمان را موعظه کردم. مؤلف را بر من حقی است که هرگز فراموش نمی‌کنم.

۴. گنجینه گهر: ترجمه هزار سخن از پیامبر اکرم (ص) به نظام و نثر فارسی است، که در ۱۳۲۶ منتشر شد.<sup>۹</sup>

۵. گنج عرفان: ترجمه هزار سخن از امیر مؤمنان علی (ع) به نظام و نثر فارسی است، که در ۱۳۲۷ به چاپ رسید.<sup>۱۰</sup>

۶. گنج دانش، صد پند به فرزند پرورند<sup>۱۱</sup>: این کتاب آمرتی به طبع رسید.

۷. اشعار شیوا در در باب و بها: <sup>۱۲</sup> این کتاب نیز به چاپ رسید.

۸. صافی نامه و قیض ایزدی: <sup>۱۳</sup> پاسخ به پرسش‌های در مورد امام زمان (ع) است، که در سال ۱۳۶۰ منتشر شد.

۹. التحف الجرادیة في المناقب المهدوية<sup>۱۴</sup>

۱۰. کتاب منظوم مراتی پیامبر و ائمه اطهار (ع)<sup>۱۵</sup>

۱۱. چون اشعار در مدائح پیامبر و ائمه اطهار (ع)، که اکثر آن در مقدمه امام مهدی (ع) است.<sup>۱۶</sup> این کتاب در پیر گیرنده ۱۵ هزار پیست است، که در صفات، استواری، دقت و باریک پیشی، فصاحت، بلاغت، لطافت، ظرافت خیال و معانی بیان معتبر است.

۱۲. نفائس العرفان<sup>۱۷</sup>

۱۳. کلمة الحق: تاریخ منظوم دوران سیاه پهلوی، <sup>۱۸</sup> که به چاپ رسیده است.

۱۴. حاشیه بر رسائل شیخ انصاری<sup>۱۹</sup>

۱۵. البشارة الميلادية<sup>۲۰</sup>

یکی روح خرمی یکی جان آدمی

یکی چون صباح وصل یکی چون رخان بار  
که هر یک از آیات این قصیده، <sup>۲۱</sup> قطعه از صفات یا تشییه‌ی از تشبیهات آن را در شعر بعد بیان کرده است.

وی به امامان هدایت<sup>۲۲</sup> (ع) ساخت عشق می‌ورزید و با نهایت درجه به حضرت ولی عصر (ع) اعتقاد و استین و ارادت کامل داشت، و در دفاع از حرم حق و صاحبان حق، یا فصاحت و

بلاغتی کم نظری داد سخن می‌داد. آیت الله صافی (ره) اگرچه شاعری پیغمبر است و اوقaf به سیکهای مختلف شعری ادوار مختلف ایران و قالهای آن بود، و با اشعار پیماری از شعرای

و الامقام انس داشت و از استادان شعر معاصر محسوب می‌شود، اما آنچه زمینه گرایش او را به شعر فارسی تغییر می‌کرد و باعث سرودن هزاران شعر در محل اهل بیت و اسلام شد؛ زمینه‌های اعتقادی و علمی وی بود که از جمله وجه ممیز او

با شعرای دیگر، موردمطالعه است. بازیزگهای دیگر این سخنور که نشان می‌دهد در خلق آثار مختلف، سبک عاخصی داشته، و مطالعات خود را نظر می‌داهند، و به عنوان یک کتاب شناس و منبع شناس شهیر و بر جایسته مطرح بوده است، شیوه تالیف و توصیب آثارش می‌پاشند. وی از حافظه پیمار قوی برخوردار بود، پیمار مطالعه داشت، خوشبوی و خط شناس ماهری بود و بر مبنای مختلف تاریخی، فقهی، سیره و کلام معصومان (ع)، و علم جفر احاطه کامل داشت. آن ادیب فقیه، پس از تحقیق و تسعیت مسخنان معصومان (ع) پیامبر اکرم (ص)، و حضرت علی (ع)، ضمن بازنویسی عبارات عربی آنها را به شتروان ترجمه می‌کرد و سپس به نظم می‌کشید، چنانکه خواننده می‌تواند با یک نظر عین عبارات عربی، سپس ترجمه مشود و منظوم زیبایی عبارات را باشد.

از آن مرد بزرگ تأییفات گوناگونی در فقه، اصول، حدیث، اخلاق و ادبیات به جای مانده است، که به پرخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. رساله‌های متعدد فقهی و اصولی، شامل موضوعات: خیار غین، اجراء، منجزات مربیش، تعارض احکام ظاهری و واقعیه، تعارض اصولی و قواعد فقهی، تosal و تراجیح، اجزاء، ظن مطلق، شبه تحریمه، شبه مقصورة و تسامح در ادله من

۲. اصول فقه منظوم در پیش از ۲ هزار شعر عربی<sup>۲۳</sup>

۳. مصاحف الفلاح و مفتاح النجاح (۲ جلد): این کتاب ۲ بار

## تألیفات

از آن مرد بزرگ تأییفات گوناگونی در فقه، اصول، حدیث، اخلاق و ادبیات به جای مانده است، که به پرخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. رساله‌های متعدد فقهی و اصولی، شامل موضوعات:

خیار غین، اجراء، منجزات مربیش، تعارض احکام ظاهری و واقعیه، تعارض اصولی و قواعد فقهی، تosal و تراجیح، اجزاء، ظن مطلق، شبه تحریمه، شبه مقصورة و تسامح در ادله من

۲. اصول فقه منظوم در پیش از ۲ هزار شعر عربی<sup>۲۳</sup>

۳. مصاحف الفلاح و مفتاح النجاح (۲ جلد): این کتاب ۲ بار

سرانجام آن بزرگمرد، پس از ۹۱ سال زندگی پریرکت و سرشار از خدمات دینی و اجتماعی، در حالی که هماره ناخوان و سناشگر ائمه اطهار بویژه امام زمان (ع) بود، در شب ۲۵ ربیع‌الثانی<sup>۲۴</sup> ق. ۴ ثب شهادت سفرت موسی بن جعفر (ع)، بدروز حیات گفت. پیرک پاکش ایندا با شکوه فراوان و با شرکت تمام طبقات مردم گلپایگان و شهرهای اطراف، در زادگاهش تشییع و سپس به قم انتقال داده شد و در آن شهر مقدس نیز با حضور مراجع و علمای بزرگ حوزه و

فی شرح العروة الوثقی (جلد تاکتون) و کتابهای دیگر  
 ۲. آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی، نویسنده منتخب  
 الائمه امام الشافعی علیه السلام، شهید اکاوه، پروردی امن و اسلام، امامت و  
 مهدویت، شهید اکاوه، پروردی از عظمت حسین (ع)، رمضان در  
 تاریخ، مقرنامه حج و دعها کتاب دیگر  
 این ۲ از علمای محترم و معروف حوزه علمیه قم و از افضل  
 شاگردان آیت الله بروجردی بوده، و کمالات معنوی و ظاهري  
 را ز پدر بزرگوارشان به ارت برده اند.

### فی الاعلام

- پانو شنها:
۱. در مقاله‌ای دیگر، نام عالیان بزرگ شهرهای کشورمان را خواهیم  
 آورد تا دانسته شود دوری از حوزه‌های بزرگ علمی، مساعی از  
 خدمات دینی، علم آمریزی و گسترش فرهنگ اسلامی نخواهد بود.
  ۲. المسلاط فی الاجازات، ج ۲، ص ۲۶۹
  ۳. نقیب البشر، ج ۱، ص ۳۳۱
  ۴. ر. ک: صافی نامه، مقدمه، ص ۸
  ۵. این نمونه ها از زبان فرزندشان، آیت الله حاج شیخ لطف الله  
 صافی، بیان شده است.
  ۶. المسلاط، ج ۲، ص ۲۷۰
  ۷. الدرریة، ج ۱۱، ص ۱۱۶
  ۸. همان، ج ۱۸، ص ۲۴۷
  ۹. همان، ج ۱۸، ص ۲۴۹
  ۱۰. همان، ج ۱۸، ص ۲۷۷
  ۱۱. همان، ج ۱۸، ص ۲۷۷
  ۱۲. المسلاط، ج ۲، ص ۲۷۰
  ۱۳. الدرریة، ج ۱۵، ص ۴۰۶
  ۱۴. المسلاط، ج ۲، ص ۲۷۰، گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۲۲۱
  ۱۵. صافی نامه، مقدمه، ص ۱۴
  ۱۶. الدرریة، ج ۹، ص ۵۸۵
  ۱۷. المسلاط، ج ۲، ص ۲۷۰

- منابع:
۱. التریمة الى تصانیف الشیعۃ، شیخ آقا بزرگ تهرانی،  
 دارالاضواء، بیروت
  ۲. زندگی حکیم جهانگیرخان قشقایی، مهدی قرقانی، مساد  
 بزرگداشت اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۱، ص ۱۴۷-۱۴۳
  ۳. صافی نامه و سیفیس ایزدی، ملا محمد جواد صافی  
 گلابگانی، مقدمه لطف الله صافی، بیان بعثت، تهران،  
 ۱۳۶۰، ص ۱۶-۱۳۶
  ۴. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، اسلامیه،  
 تهران، ۱۳۵۲، ج ۶، ص ۴۲۰-۴۲۱
  ۵. المسلاط فی الاجازات، گردآوری سید محمود مرعشی تجنی،  
 کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۶۹-۲۷۱
  ۶. نقیب البشر فی القرن الرابع عشر، شیخ آقا بزرگ  
 تهرانی، نشر مرتفعی، مشهد، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۳۱

فرزندان ثمرة ازدواج آن مرد بزرگ با صیبه محرمه آیت الله آخوند  
 ملامحمدعلی گلابگانی - که معاصر، همدوره و هم حجره  
 مرحوم میرزا شیرازی بود - فرزندانی شد، که برخی از آنان  
 عبارتند از:

۱. آیت الله حاج شیخ علی صافی، نویسنده ذخیره العقیبی